

خبر

کاهش ۳۳ درصدی واردات از ترکیه

● ایسنا: واردات کالا از ترکیه در سال گذشته با رسیدن به رقم ۳۰،۱۳ میلیارد دلار نسبت به سال قبل کاهش ۲۳،۰۷ درصدی داشته است. چهارمین شریک وارداتی ایران در جهان براساس آمار گزارش مقاماتی تجارت کشور در سال ۱۳۹۴ علاوه بر کاهش ۲۳درصدی ارزش دلاری واردات از این کشور نسبت به سال قبلش، سهم ۷،۲۶ درصدی از کل واردات ایران را به لحاظ ارزش دلاری از جهان داشته است که به لحاظ وزنی نیز واردات از همین کشور با ۲،۶ میلیون تن که نسبت به سال قبل ۲۷،۰۳ درصد کاهش داشته است، ۷،۴۲ درصد از حجم وزنی کل واردات کشور را به خود اختصاص داده است. بنا بر جزئیات آمار واردات در ۱۱ماهه سال ۱۳۹۴، تاجار ایرانی سه‌هزارو ۹۹۸ گروه کالایی را از ترکیه وارد کردند که ۱۰ قلم عمده آن ۲۵،۲ درصد از کل واردات از ترکیه را تشکیل می‌دهند.

افزایش ۱۵درصدی برداشت میعانات گازی از پارس جنوبی

● ابرنا: مدیرعامل شرکت نفت‌وگاز پارس از رشد ۱۵درصدی برداشت میعانات گازی و تولید گاز از میدان گازی پارس جنوبی در سال ۹۴ خبر داد. به گزارش شانا، علی‌اکبر شعبانپور با اشاره به افزایش تولید میعانات گازی در سال ۹۴، گفت: تولید میعانات گازی در میدان مشترک پارس جنوبی سال گذشته (۹۴) به ۱۲۰ میلیون بشکه رسید که نسبت به تولید ۱۰۴ میلیون بشکهای در سال ۹۳، از رشد ۱۵درصدی برخوردار بوده است. وی افزود: سال ۹۳ معادل ۱۱۳ میلیارد مترمکعب گاز از پارس جنوبی تولید شد که این میزان در سال ۹۴ با رشد ۱۵درصدی، به ۱۳۰ میلیارد مترمکعب رسید. مدیرعامل شرکت نفت‌وگاز پارس پیش از این گفته بود: پیش‌بینی می‌شود، اسمال علاوه بر افتتاح فازهای ۱۷ و ۱۸ پارس جنوبی، پروژه فازهای ۲۱، ۱۹ و ۲۰ این میدان تا اسفندماه به بهره‌برداری برسند.

پیش‌بینی رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۶

● ایسنا: پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد در سال ۲۰۱۶ به دلیل عواملی مانند به‌ثبات‌رسیدن بازار کالاهای پایه، تداوم سیاست‌های انبساطی و روند افزایشی رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته از ۳،۱ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۳،۴ درصد در سال ۲۰۱۶ برسد. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش، مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گزارشی منتشر کرده است که در آن، تحولات اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۵ بررسی و مسیر اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۶ پیش‌بینی شده است. در این گزارش آمده است: بررسی‌ها نشان می‌دهد رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۵ نزدیک به ۳،۱ درصد بوده است که این میزان رشد، کمتر از پیش‌بینی‌های پیشین است، همچنین انتظار می‌رود رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۶ افزایش یابد. اصلی‌ترین عامل کندشدن فعالیت‌های اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۵، کاهش رشد اقتصادی کشورهای درحال‌توسعه و درحال‌توسعه نوظهور و کاهش قیمت کالاهای پایه بوده است ولی انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۶ رشد اقتصادی جهان به واسطه روند افزایشی رشد اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته، به‌ثبات‌رسیدن بازار کالاهای پایه و درنهایت تداوم سیاست‌های پولی انبساطی در اقتصادهای مهم دنیا افزایش یابد و به ۳،۴ درصد برسد و روندی مانند سال ۲۰۱۴ داشته باشد. همچنین در بخش دیگری از این گزارش آمده است: با وجود این، عواملی وجود دارند که افزایش رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۱۶ را با نااطمیناتی همراه می‌کنند. یکی از عوامل کاهنده رشد اقتصادی در سال ۲۰۱۶ روند اقتصادی کشورهای درحال‌توسعه و درحال‌توسعه نوظهور، اقتصادهای بزرگی مانند چین و برزیل، درحال‌حاضر در مسیر تغییر ساختار اقتصادی قرار دارند که به‌طورکلی این روند، مقدار رشد اقتصادی بلندمدت این اقتصادها را کاهش داده است. همچنین در کنار این موارد، کاهش حجم تجارت جهانی و کندی آهنگ رشد بهرهوری، روند تغییر ساختار را در این اقتصادها کند کرده است. در این گزارش پیش‌بینی شده است: اقتصادهای درحال‌توسعه در سال ۲۰۱۶ با مشکل افزایش هزینه‌های بدهی مواجه می‌شوند. در واقع انتظار می‌رود در سال ۲۰۱۶، با توجه به افزایش مداوم ارزش دلار آمریکا و افزایش نرخ بهره آمریکا، بزرگ‌ترین چالش در بسیاری از اقتصادهای درحال‌توسعه افزایش ارزش بدهی دلاری در بسیاری از این اقتصادها باشد. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده‌اند در سال ۲۰۱۶ همانند سال ۲۰۱۵، رشد اقتصادی جهان در مناطق مختلف دنیا ناهمگون باشد. این گزارش بر حسب اطلاعات بانک جهانی آورده است: بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که با وجود کاهش قیمت جهانی نفت و تنش‌های سیاسی در خاورمیانه، افزایش رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به دلیل رفع تحریم‌های اقتصادی، اثری مثبت بر رشد اقتصادی این منطقه بگذارد. بنابراین به نظر می‌رسد در آینده با توجه به رفع تحریم‌های اقتصادی ایران و چشم‌انداز روشن رشد اقتصادی برای کشورهای توسعه‌یافته، امکان آن وجود دارد که کاهش احتمالی تقاضای چین برای صادرات ایران به وسیله احیای تقاضای اقتصادی توسعه‌یافته تا حدودی جبران شود.

تحركات تازه رانت جویان برای حبابی کردن قیمت مسكن

ادامه از صفحه ۵

امیدوار به بازگشت رونق به بخش مسکن بود؟ حتی اگر کمی دور به نظر برسد...

دلیل بزرگ اینکه رونق نمی‌تواند به بخش مسکن برگردد برای این است که اقتصاد کلان‌شهرهای ما اقتصادی است که شهری‌شدن رانت در آن رخ می‌دهد. نفت به شهرها وارد می‌شود و در ساختمان تبلور پیدا می‌کند. این شیوه در دولت‌های نهم و دهم تشدید شد. جلوه روشن آن، این است که در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، به جمعیت شهر تهران ۳۱۰ هزار نفر اضافه شد و درست در همین مدت زمان ۳۱۰ هزار از تعداد شاغلان تهران کاسته شد. این امر نشان می‌دهد که شهر تهران از لحاظ اقتصادی شهری ورشکسته است. این شهر ورشکسته بازتولید رانت می‌کند. فضایی که بنا بود به اقتصاد دانش محور اختصاص پیدا کند، به مسکن اختصاص پیدا می‌کند. شهر مسدودی که فضای شهری آن، رانت مسکن را تولید و بازتولید می‌کند. این مسکن هم به هیچ‌وجه برای اکثریت جامعه به کار گرفته نمی‌شود. درحالی‌که چیزی حدود ۶۰ تا ۸۰ درصد معاملات مسکن در شهر تهران واحدهای مسکونی در مسکنی زیر ۸۰ مترمربع بوده ، متوسط زیربنای واحدهای مسکونی در تهران در دهه اخیر بین ۱۳۰ تا ۱۴۰ مترمربع بوده است. این فرایند باعث شده در یک برآورد حداقلی، حدود ۸۰۰ هزار واحد مسکونی در شهر تهران به‌صورت پایان‌یافته یا نیمه‌تمام، خالی باشد. این مازاد مسکن با این متراژ برای اکثر مردم قابل‌درک نیست. شعار طرح جامع تهران مصوب ۱۳۸۶، تهران، شهری دانش پایه، هوشمند و جهانی بود. از این سه شعار تنها هوشمندی تهران مشهود است که از زمان مشروطه باقی مانده اما زمینه‌های دیگر آن فراهم نشده است. کلان‌شهرهای ما دچار یک تله فضایی شده‌اند که در آن به جای اینکه بالندگی اقتصادی به وجود آید، رانت بازتولید می‌شود. استان مازندران هم دچار تله فضایی شده است. سالانه حدود ۲۰ میلیون گردشگر وارد این استان می‌شوند اما رشد آن از رشد طبیعی پایین‌تر است و بیشترین بی‌کاری را در بین استان‌های کشور دارد. این یک تله فضایی است که به‌بورژوازی مستغلات دریا، ساحل، کوه و زمین را در این استان می‌بلعد اما بی‌کاری گسترده‌ای برای مردم این استان وجود دارد. در کلان‌شهرها، شهری‌شدن رانت به حساب می‌آید و در استان‌هایی چون مازندران، منطقه‌ای‌شدن رانت مطرح می‌شود. از این اقتصاد که منابع خود را به‌ویژه در دولت‌های نهم و دهم بر باد داده، دیگر نمی‌توان توقع رونق داشت. وام ۸۰ میلیونی را هم تبدیل به وام ۱۶۰ میلیونی کردن اهرمی برای رونق به بخش مسکن نیست. گویا افراد ساده‌انگاری تحت فشار نظام بانکی دست به این کار زده‌اند.

آیا نظام بانکی در شهری‌شدن رانت نقش داشته است؟

نظام بانکی در شهری‌شدن رانت دست داشته است. البته از ابتدا خود نمی‌خواسته وارد شود اما شریک جرم شده و درنهایت خود نیز در این تله افتاده است. برخی در یک ساده‌انگاری تصور می‌کنند در ایران تفوق بخش مالی وجود دارد اما چنین نیست. در ایران گزارش‌کردی بخش مالی به وجود آمده است. وقتی بخش مالی در کشورهایی مانند آمریکا تفوق پیدا می‌کند، به این علت است که شرکت‌های چندملیتی در شهرها و مناطق آزاد آن سرمایه‌گذاری می‌کنند و سودهای این سرمایه‌گذاری‌ها بازمی‌گردد و انباشت عظیم سرمایه به وجود می‌آید که مجبور هستند با آن بازی کنند. در واقع از ارزش افزوده تولیدشده در سراسر جهان که به کشورهای مرکزی سرازیر می‌شود، بخش مالی قوی‌ای ایجاد می‌شود که سعی می‌کند این تفوق را به جهان مهر تزریق کند. اما در ایران بخش مالی از ارزش اضافی تولید صنعتی و صادرات فربه نندسته است. بخش مالی ایران از تولید رانت پدید آمده است. تعجیل دولت سازندگی در انحلال بانک‌های تخصصی در عین نیاز دولت توسعه به این نوع بانک‌ها و تبدیل‌شدن این دولت به دولت تعدیل، باعث شد از آنجایی‌که برای توسعه و سازندگی به بانک‌های تخصصی نیاز داشت اما این بانک‌ها پیش‌تر منحل کرده بود، به سیستم بانکی به‌دکار شود؛ سیستم بانکی که در آن بانک‌های تجاری در حال رشد بودند و بخش خصوصی هم اقدام به راه‌اندازی بانک کرده بود. جالب است این را بگویم یک ضرب‌المثل آمریکایی می‌گوید، اگر می‌خواهی بانک بزنی، بانک بزن و در ایران نیز چنین شد. در شرایطی که بانک‌های تخصصی حضور نداشتند، بانک‌های تجاری و خصوصی مجبور شدند در نقش بانک‌های تخصصی ظاهر شوند و به بخش‌های راهسازی، سدسازی و... وارد شوند. در چنین شرایطی سودی عاید بانک‌های تجاری که سپرده‌های مردم در دستان آنها است نمی‌شود و مجبور هستند به بنگاه‌داری روی آورند. بخشی از این بنگاه‌داری بانک‌ها، اتوبان‌داری است و بخشی هم وارد بخش مسکن و مال‌سازی می‌شود. در واقع دولت سازندگی به‌زور با انحلال نسنجیده بانک‌های تخصصی، بانک‌های تجاری و خصوصی را بنگاه‌دار کرد. این بانک‌ها وقتی می‌بینند در بخش مسکن، سود

سالانه صددرصد است و دولت هم به میزان زیادی به آنها به‌دکار است مشخص است که این بخش را انتخاب می‌کنند. در واقع مازاد بخش مالی ناشی از ارزش‌افزوده نیست. در نتیجه این اتفاقات نظام بانکی ایران وارد جریان بازتولید رانت شد. این ساده‌انگاری برخی تحلیل‌هاست که با گرته‌برداری از کشورهای پیشرفته می‌گویند در آمریکا نظام مالی نئولیبرالیسم حکم‌فرماست پس ما نیز باید چنین شیویم! در حالی که سیستم اقتصادی آمریکا نئولیبرالیسمی است که در مرحله یک جامعه مدنی قوی به وجود می‌آید. در ایران چنین جامعه‌ای پدید نیامده است. این تحلیل‌های نادرست سبب می‌شود جهت‌گیری‌های نادرستی را برای ساماندهی اقتصاد کشور در پیش گیریم و نتوانیم ال‌ترناتیوهای شایسته‌ای برای رشد اقتصادی کشور داشته باشیم. اشتباه دیگری که رخ داد این بود که در سال ۱۳۶۸ قانونی به تصویب می‌رسد که خلاف قانونی است که در سال‌های ۶۱ و ۶۲ شهرداری به تصویب رسیده بود. بنا بر این قانون مقرر بود شهرداری‌ها برنامه درآمد پایدار داشته باشند و از ارزش‌افزوده فعالیت‌های ساختمانی در شهر استفاده کنند. از سال ۱۳۶۸ بدون اینکه برنامه‌ای برای درآمد پایدار ایجاد شود، شهرداری‌ها به رانت تولید بخش ساختمان وابسته شدند. ارزش‌افزوده بخش ساختمان در تهران چیزی حدود هفت درصد ارزش ساختمان‌های تولیدشده در این شهر است. از این ارزش‌افزوده هفت‌درصدی، ۸۰ درصد درآمد شهرداری به‌صورت رانت زمین و تراکم‌فروشی بیرون آمده است. در واقع شهرداری‌ها وارد فروش حقوق عمومی به صورت رانت شدند که به گفته حقوق‌دانانی چون آقای کاشانی، مبیع و قابل‌معامله نیست. شهرداری شروع به فروش فضاهای عمومی می‌کند. فاجعه بزرگ شهر تهران چنین است که میزان واحدهای مسکونی در پروانه‌های صادرشده، جمعیت تهران را به‌زودی به ۱۲ میلیون نفر می‌رساند. این در حالی بود که ظرفیت زیست‌محیطی تهران برای آنکه درعین حال دانش‌پایه، هوشمند و جهانی نیز شود، ۸،۵ میلیون نفر بود. در صورتی که آخرین ظرفیت تهران که به فشار دولت و شهرداری در طرح جامع در نظر گرفته شد، ۹،۱ میلیون نفر بود. جالب آنکه در دولت نهم، رئیس دولت وقت فشار آورد و در متن طرح جامع به بهانه رونق‌بخشیدن به بخش مسکن، ظرفیت این کلان‌شهر را ۱۰،۵ میلیون در نظر گرفت اما با دست‌بردن در طرح تفصیلی به کمک رئیس دولت قبل، تغییراتی را در طرح تفصیلی و طرح جامع تهران به وجود آوردند که با برنامه‌هایی که تاکنون در نظر گرفتند، جمعیت تهران را نه‌تنها به ۱۰،۵ میلیون نفر اسمی در طرح بلکه به ۱۲ میلیون نفر می‌رساند؛ یعنی توقف کامل این شهر. شهری که مسکن آن برای اکثریت جامعه نیست، شهری که در طول سال‌های ۸۵ تا ۳۱۰ هزار شغل از دست داده، شهری که سالانه ۲ میلیارد دلار ارزبری دارد اما صادرات آن ۱،۵ میلیارد دلار است، مشخص است که یک تله است. این یعنی کنارگذاشتگی جامعه. اخیرا تظاهراتی در شهر لندن برای افزایش اجاره‌بهای مسکن اجتماعی اتفاق افتاد. در این تظاهرات، تظاهرات‌کنندگان می‌گفتند دولت می‌خواهد پاکسازی شهروندی کند و کم‌درآمدها و متوسط‌درآمدها را از لندن براند. با این اوصاف سالیان سال است در تهران پاکسازی اجتماعی صورت می‌گیرد.

این پاکسازی که در تهران و کلان‌شهرهای کشور رخ می‌دهد، چه پیامدی دارد؟ قاعدتاً مردم به این پاکسازی اجتماعی واکنش نشان خواهند داد. چون اکثریت جامعه از جمله طبقه متوسط می‌داند در تله فضایی فقر قرار گرفته است. این هوشمندی بزرگ و تاریخی مردم ایران است که واکنش خود را بسیار عقلانی نسبت به عدم عقلانیت ایدئولوژی بازار و برنامه نشان می‌دهد. هر جامعه‌ای جز جامعه ایران بود نیست به این نوع مدیریت مجنون می‌شود.

اقتصاد



عکس: زینب‌فره رشتی، شرق

جامعه این هوشمندی خود را چگونه نشان می‌دهد؟

جامعه به هوشمندی در انتخابات شرکت می‌کند که ضرر را کمتر کند. اما این روند تا مدتی می‌تواند ادامه داشته باشد. وقتی دولتی مانند دولت گذشته تاکید می‌کند که قصد دارد جمعیت تهران را کاهش دهد اما خود در طرح جامع به بهانه رونق‌بخشی به بخش مسکن، ظرفیت تهران را به ۱۰،۵ میلیون نفر افزایش می‌دهد، به این معناست که بنا دارند مردم را فدای بخش مسکن و فضای رانت‌جو کنند. شهر تهران عصاره‌ای از مردم ایران است و اگر کسی به مردم این شهر توهین کند، گویی به تمام ملت ایران توهین کرده است. برای همین مردم تهران به کسی که نفعش بیشتر است رای دادند و در انتخابات اخیر مجلس نیز این هوشمندی را در عملکرد مردم تهران دیدیم. چنین شهری که دچار تله فضایی فقر است را با تبدیل وام ۸۰میلیونی به ۱۶۰ میلیون نمی‌توانیم از تله بیرون آوریم. اثر حضور بخشی از سرمایه‌های خارجی در شهر تهران، یک حباب مسکن از سوی رانت‌جویان شکل بگیرد مانند تابستان سال ۹۱ که چنین اقدامی کردند اما نیات نیافت. به نظر من امسال نیز چنین می‌کنند که بگویند بازار مسکن تکان خورده است. اما این ماشین هر چقدر هل بدهند، باز هم خراب است و دوباره به حالت قبلی خود برمی‌گردد. احتمالاً پس‌اندازهای خارجی به ایران می‌آید و تحرک کوتاه‌مدتی را در بخش مسکن شاهد خواهیم بود.

فکر می‌کنید کی شاهد این تحرک باشیم؟ فکری می‌کنم از نیمه دوم یا در تابستان چنین اتفاقی بیفتد اما موقت خواهد بود.
آ چه مدت طول می‌کشد؟ می‌تواند سه تا چهار ماه به طول بینجامد.
این تحرک موقت موجب افزایش قیمت مسکن هم می‌شود؟

تقاضای مؤثری برای افزایش قیمت‌ها وجود ندارد اما به‌ورژوازی مستغلات قیمت‌ها را حباب‌گونه بالا می‌برد که نشان دهد تحرکی ایجاد شده است. در واقع تا زمانی‌که قفل‌شدگی بخش مسکن به پایان نرسد و امیدی برای افزایش قیمت وجود نداشته باشد، کسی وارد بازار مسکن نمی‌شود و دارایی خود را به بخش مسکن منتقل نمی‌کند. چراکه مسکن با متراژ ۱۳۰متری اکثریت جامعه ارزش مصرفی ندارد و بیشتر ارزش دارایی دارد. این است که اگر افزایش قیمتی وجود نداشته باشد، کسی وارد این بازار نمی‌شود و پس‌انداز خود را منتقل نمی‌کند. بنابراین سعی می‌کنند افزایش قیمت نه‌چندان شگواران ایجاد کنند تا بخشی از افراد با دیدن افزایش قیمت، دارایی خود را از نظام بانکی خارج کنند و به بخش مسکن بیاورند. اما این امکان وجود داشت که خانوارها بتوانند به سر کار بروند و سنگینی اقساط را با کار بیشتر بپوشانند. شاید می‌توانستیم به افزایش سقف وام‌های مسکن امید داشته باشیم اما این امکان وجود ندارد. حدود ۳۰ درصد از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون شهر تهران از تهران به این مناطق رفته‌اند و اینکه گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی به علت مهاجرت مردم از روستا به اطراف تهران رخ داده، دیگر افشانه است. تهی‌دستان شهری هستند که به پیرامون می‌روند. پس‌انداز ملی نیز روند کاهشی پیدا کرده است. یکی از تحقیقات انجام‌شده در دانشگاه‌های مختلف ایران نشان می‌دهد یک درصد افزایش تورم، ۱،۵ درصد پس‌انداز خانوار را کاهش می‌دهد. اثر کاهش درآمد ملی حتی بیشتر است. یعنی با هر یک درصد کاهش درآمد ملی، حدود دو درصد پس‌انداز خانوار کاهش می‌یابد. ما در این سال‌ها هم با تورم و کم‌ب‌کاهش درآمد ملی روبرو بودیم. در سال‌های بین ۸۵ تا ۹۱ همین‌طور کالاهای بادوام مصرفی خانوار، به قیمت ثابت نصف شده اما در مقابل تعداد خانه‌های خالی دو برابر شده است. در این شرایط سخن‌گفتن از افزایش سقف تسهیلات مسکن شوخی با ملت است. در فرانسه به خانه‌اولی‌ها نه‌تنها وام ارزان سه تا چهار درصدی می‌دهند بلکه وامی بدون بهره نیز می‌پردازند. این‌طور نیست که مثل ایران تنها یک درصد نرخ بهره را کاهش دهند و ۱۳ درصد سود برای بانک‌ها در نظر بگیرند. این‌گونه است که به طول یک سال حدود ۳۱ درصد معاملات مسکن شهر تهران

کاهش می‌یابد. این قصه‌ای است که ۱۰ سال است در کشور ادامه دارد و تنها با نوساناتی از سوی سیستم بانکی همراه بوده است. مثلاً در منطقه ۲۲ شهر تهران، مسکن می‌سازیم که همچنان خالی است و حتی یک مدرسه نیز در آنجا وجود ندارد. جالب آنکه دو مدرسه‌ای که در این منطقه بوده است تخریب شده و در آن ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در این منطقه خالی است. این منطقه مثل شهر ارواح با برج‌های ۲۰ طبقه است که فکر می‌کنم برای تمام ارواح جهان جا دارد. اثر قفل‌شدگی در بخش مسکن آن‌قدر گسترده است که نوعی ما در حال حاضر گشایش‌های جدیدی در ادبیات قفل‌شدگی در بخش مسکن در سطح جهان داریم. جالب آنکه با این درجه اهمیت، هیچ مطالعاتی در این زمینه در سطح تئوری نیز انجام نشده است. رانت، زور می‌خواهد؛ عقلانیت نمی‌خواهد. رانت یعنی حضور زور در اقتصاد. برای همین هم به‌ورژوازی مستغلات رانت‌جوی کشور هیچ توسعه‌ای حتی در رشته اقتصاد مسکن و شهری ایجاد نمی‌کند و به خود زحمت نمی‌دهد از سودهای کلانی که سالانه به ۲۰ میلیارد تومان نیز رسیده، اندکی در تحقیق و توسعه صرف کند. واقعیت این است که بخش مسکن اسیر به‌ورژوازی مستغلات رانت‌جویی است که کل سیستم اقتصاد، دستان به آن آلوده است. تا زمانی که بخش مسکن از دست به‌ورژوازی مستغلات رها نشود و از تله فضایی رانت بیرون نیاید، نه اقتصاد مقاومتی شکل می‌گیرد و نه اقتصاد مسکن از رکود بیرون خواهد آمد.

آ در این صورت نباید امیدوار به خروج از رکود بخش مسکن بود. فکر می‌کنید چقدر تا خروج از رکود مسکن باقی مانده؟

نه، نباید امیدوار بود. برای پیاده‌کردن یک برنامه فکر می‌کنم به یک دوره دو‌ساله نیاز است. مسکن است امسال در اثر حضور بخشی از سرمایه‌های خارجی در شهر تهران، یک حباب مسکن از سوی رانت‌جویان شکل بگیرد مانند تابستان سال ۹۱ که چنین اقدامی کردند اما نیات نیافت. به نظر من امسال نیز چنین می‌کنند که بگویند بازار مسکن تکان خورده است. اما این ماشین هر چقدر هل بدهند، باز هم خراب است و دوباره به حالت قبلی خود برمی‌گردد. احتمالاً پس‌اندازهای خارجی به ایران می‌آید و تحرک کوتاه‌مدتی را در بخش مسکن شاهد خواهیم بود.

فکر می‌کنید کی شاهد این تحرک باشیم؟ فکری می‌کنم از نیمه دوم یا در تابستان چنین اتفاقی بیفتد اما موقت خواهد بود.
آ چه مدت طول می‌کشد؟ می‌تواند سه تا چهار ماه به طول بینجامد.
این تحرک موقت موجب افزایش قیمت مسکن هم می‌شود؟

تقاضای مؤثری برای افزایش قیمت‌ها وجود ندارد اما به‌ورژوازی مستغلات قیمت‌ها را حباب‌گونه بالا می‌برد که نشان دهد تحرکی ایجاد شده است. در واقع تا زمانی‌که قفل‌شدگی بخش مسکن به پایان نرسد و امیدی برای افزایش قیمت وجود نداشته باشد، کسی وارد بازار مسکن نمی‌شود و دارایی خود را به بخش مسکن منتقل نمی‌کند. چراکه مسکن با متراژ ۱۳۰متری اکثریت جامعه ارزش مصرفی ندارد و بیشتر ارزش دارایی دارد. این است که اگر افزایش قیمتی وجود نداشته باشد، کسی وارد این بازار نمی‌شود و پس‌انداز خود را منتقل نمی‌کند. بنابراین سعی می‌کنند افزایش قیمت نه‌چندان شگواران ایجاد کنند تا بخشی از افراد با دیدن افزایش قیمت، دارایی خود را از نظام بانکی خارج کنند و به بخش مسکن بیاورند. اما این امکان وجود داشت که خانوارها بتوانند به سر کار بروند و سنگینی اقساط را با کار بیشتر بپوشانند. شاید می‌توانستیم به افزایش سقف وام‌های مسکن امید داشته باشیم اما این امکان وجود ندارد. حدود ۳۰ درصد از ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی پیرامون شهر تهران از تهران به این مناطق رفته‌اند و اینکه گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی به علت مهاجرت مردم از روستا به اطراف تهران رخ داده، دیگر افشانه است. تهی‌دستان شهری هستند که به پیرامون می‌روند. پس‌انداز ملی نیز روند کاهشی پیدا کرده است. یکی از تحقیقات انجام‌شده در دانشگاه‌های مختلف ایران نشان می‌دهد یک درصد افزایش تورم، ۱،۵ درصد پس‌انداز خانوار را کاهش می‌دهد. اثر کاهش درآمد ملی حتی بیشتر است. یعنی با هر یک درصد کاهش درآمد ملی، حدود دو درصد پس‌انداز خانوار کاهش می‌یابد. ما در این سال‌ها هم با تورم و کم‌ب‌کاهش درآمد ملی روبرو بودیم. در سال‌های بین ۸۵ تا ۹۱ همین‌طور کالاهای بادوام مصرفی خانوار، به قیمت ثابت نصف شده اما در مقابل تعداد خانه‌های خالی دو برابر شده است. در این شرایط سخن‌گفتن از افزایش سقف تسهیلات مسکن شوخی با ملت است. در فرانسه به خانه‌اولی‌ها نه‌تنها وام ارزان سه تا چهار درصدی می‌دهند بلکه وامی بدون بهره نیز می‌پردازند. این‌طور نیست که مثل ایران تنها یک درصد نرخ بهره را کاهش دهند و ۱۳ درصد سود برای بانک‌ها در نظر بگیرند. این‌گونه است که به طول یک سال حدود ۳۱ درصد معاملات مسکن شهر تهران

گذر

فروش رنو فرانسه به ایران ۴ برابر شد

● تسنیم: فروش رنو فرانسه به ایران در دو ماه نخست سال جاری میلادی با افزایش چهاربرابری نسبت به مدت مشابه سال قبل، به هشت‌هزارو ۵۴۰ دستگاه رسید. شرکت خودروسازی رنو فرانسه اعلام کرد در دومین ماه سال جاری میلادی پنج‌هزارو ۵۴۰ دستگاه از محصولات خود را روانه بازار ایران کرده است. در مدت مشابه سال قبل فروش رنو به ایران صفر اعلام شده بود. در ژانویه ۲۰۱۶ نیز که توافق هسته‌ای به اجرا گذاشته شد، سه هزار دستگاه از محصولات این شرکت به ایران فروخته شده بود. براساس این در مجموع در دو ماه نخست سال جاری میلادی و پس از لغو تحریم‌ها فروش این شرکت فرانسوی به ایران نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود چهار برابر شده است. رنو در ژانویه و فوریه سال ۲۰۱۵ بالغ بر دوهزارو ۵۰ دستگاه از محصولات خود را به ایران فروخته بود که این رقم در مدت مشابه سال جاری به هشت‌هزارو ۵۴۰ دستگاه رسیده است. خودرو لوگان پرفروش‌ترین محصول این شرکت در ایران است که با نام ال ۹۰ و به‌صورت سی‌کی‌دی در این کشور مونتاژ می‌شود. براساس این گزارش در مجموع ۱۲ماهه سال میلادی گذشته ۵۱هزارو ۵۰۰ دستگاه از محصولات رنو به ایران صادر شده است که این رقم نسبت به سال قبل از آن رشد ۵۶درصدی داشته است. رنو در سال ۲۰۱۴ بالغ بر ۳۳ هزار دستگاه محصول تولیدی خود را به ایران فروخته بود. رنو در سال ۲۰۱۳ بالغ بر ۳۹هزارو ۶۰۰ دستگاه خودرو به ایران صادر کرده بود. این شرکت در سال ۲۰۱۲ نیز هشتاد و ۷۸ دستگاه از محصولات خود را به ایران فروخت.

ادامه از صفحه ۵

توجه به کشاورزان خرده‌پا گامی در جهت اقتصاد سبز

● ETC -group (۲۰۰۹) برآورد شده که کشاورزان کوچک یا خرده‌پا حدود ۵۰ درصد از غذای جهانی را تولید می‌کنند، حدود ۷،۵ درصد موادغذایی توسط تولیدکنندگان کوچک در شهرها تولید می‌شود، شکار، ماهیگیری و سایر اشکال جمع‌آوری و برداشت از منابع طبیعی در حدود ۱۲،۵ درصد توسط تولیدکنندگان کوچک‌مقیاس و تولید موادغذایی صنعتی در حدود ۳۰ درصد از کل تولید جهانی غذا توسط تولیدکنندگان کوچک‌مقیاس انجام می‌شود. گزارش جهانی مؤسسه ارزیابی‌بین‌المللی کشاورزی دانش، علم و صنعت برای توسعه (IAASTD) تخمین از تولید موادغذایی توسط تولیدکنندگان مقیاس‌کوچک ارائه داده است. آمار و ارقام در این گزارش براساس اطلاعات فائو از ۵۵۵ میلیون مزارع در سراسر جهان است. ۹۰ درصد از این مزارع، مزارع کوچک‌مقیاس بوده که با کمتر از دو هکتار از زمین تعریف شده‌اند. در این گزارش آمده است: در آفریقا ۹۰ درصد از محصولات کشاورزی در مزارع کوچک کشت می‌شود. سازمان محصولات غذایی اولیه در سال ۲۰۰۸ (www.fao-first.org) در مقاله‌ای آورده است که در حال حاضر مزارع کوچک (کمتر از دو هکتار) در آمریکای لاتین ۱۷میلیون مزرعه بوده که ۵۱ درصد از ذرت، ۷۷ درصد از لوبیا و ۶۱ درصد از تولید سیب‌زمینی را به خود اختصاص داده‌اند. در آسیا برنج توسط بیش از ۲۰۰ میلیون کشاورزان کوچک تولید می‌شود. در آفریقا ۳۳میلیون مزرعه کوچک وجود دارد که ۸۰ درصد مزارع را شامل می‌شود که تولید در این مزارع بدون هیچ کود یا بذر اصلاح‌شده‌ای صورت می‌گیرد. علاوه بر دسترسی به بذره‌ای اصلاح‌شده و تکنولوژی و فناوری، مزارع کوچک به تغییرات آب و هوایی (همانند اظطاب‌کوی کشت با بارش و درجه حرارت) و خش‌سالی بسیار حساس بوده و تولید آنها تحت‌تأثیر این عوامل قرار می‌گیرد. به عبارتی تولیدکننده کوچک یا خرده‌پا در برابر انواع خطرات قرار می‌گیرد که تولید و درآمد آنان را دچار نوسان می‌کند. این در حالی است که براساس مطالعه فائو با عنوان خصوصیات اقتصادی کشاورزان خرده‌پا که در سال ۲۰۱۵ منتشر شده آمده در بسیاری از کشورها بیش از ۴۰ درصد کشاورزان خرده‌پا فقیر هستند. به عبارتی کشاورزان کوچک یا خرده‌پا هم تولیدکننده اصلی موادغذایی برای جمعیت جهان بوده و هم در فقر زندگی کرده و دسترسی آنان به نهاده‌ها و تکنولوژی و اعتبارات برای افزایش بهره‌وری تولید کم است. کاهش قیمت جهانی موادغذایی به منظور تأمین غذای جمعیت جهان که توانایی خرید موادغذایی ندارند، منوط به افزایش تولید است که این افزایش در مزارع کوچک با افزایش بهره‌وری عملکرد حاصل می‌شود. رویکردهای متفاوتی در جهان برای افزایش عملکرد و کارایی مزارع کوچک با توجه به معیارهای اقتصاد سبز در نظر گرفته شده که می‌تواند برای کشور ما در سیاست‌گذاری‌های بخش کشاورزی کاربرد داشته باشد.